



اهمیت دعای والدین بر زندگی فرزند

مریم سادات خضری *

چکیده

دعا و قضا و قدر، دو واقعیت مهم و گسترده و تأثیرگذار در ابعاد مختلف زندگی انسان هستند، همچنان که دعا در آرامش روح تأثیرگذار است در تربیت نیز نقش بسزایی دارد. یکی از امور تربیتی که والدین در حق فرزند باید انجام دهند، دعا برای صلاح و سداد ایشان است. به خاطر مقام و منزلت پدر و مادر نزد خداوند، درخواست آن‌ها پذیرا و دعای والدین در حق فرزند در اولویت استجاب قرار دارد. بهترین دعاهایی که آن‌ها می‌توانند انجام دهند، دعاهای قرآنی، مانند دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) و حضرت یعقوب (علیه السلام) و دعای بیست و پنجم صحیفه سجّادیه است که در این مقاله به بخشی از آن‌ها اشاره شده است. علاوه بر آن، با استفاده از روایات متعددی بیان شده است که دعا به خصوص دعای پدر و مادر، چه اهمیتی در تربیت انسان و تغییر سرنوشت او دارد و در هیچ حالی نباید از آن مأیوس شد. بنابراین شایسته است که دل والدین را چنان به دست آوریم که دعای خیرشان به صورت خودجوش از اعماق قلبشان شامل حالمان شود و خیر عاقبت را برایمان تضمین کند. نتایج این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته و نشان می‌دهد تنها قدرت خدا می‌تواند بر شیاطین چیره شود و با دعا می‌توان رحمت الهی را جلب کرد و با توسل عاشقانه به معبود بی‌نهایت پیوست.

کلید واژه‌ها: قضا و قدر، دعا، والدین، فرزندان.

* طلبه سطح ۲ حوزه علمیه کوثر قزوین، ۰۹۰۳۸۷۲۶۹۹۵

مقدمه

دعا به معنی فراخوانی و درخواست و حاجت‌خواهی از خداوند است. کسانی که می‌پندارند سرنوشت انسان و جهان به طور کامل مقدر و معین گردیده و برای تغییر آن هیچ راهی وجود ندارد، سخت در اشتباهند. دعا نه تنها منافاتی با تقدیر الهی ندارد، بلکه در برخی موارد می‌تواند مقدرات غیرحتمی را تغییر دهد. دعا نخست در لسان وحی و قرآن کریم و سپس در بیان انبیاء به خصوص نبی مکرم اسلام ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دیگر ائمه معصومین (علیهم السلام) یافت می‌شود. از آنجا که خدا وعده فرموده دعای بندگان را اجابت می‌کند و با توجه به مقام و منزلت ویژه پدر و مادر، دعای آن‌ها چه اهمیتی بر زندگی فرزندان دارد؟

این سؤال را می‌توان از جنبه‌های مختلف و علوم گوناگون مانند: روان‌شناسی، علوم تربیتی، کلام، فلسفه، جامعه‌شناسی، تاریخ، تفسیر و علوم حدیث مورد بحث و بررسی قرار داد. در این مکتوب بیشتر سعی شده از علم تفسیر حدیث بهره جست.

یکی از عوامل مؤثر در صالح شدن فرزندان، دعای والدین است که در جهت تعلیم و تربیت و رسیدن آنان به سعادت دنیوی و اخروی چنان درخور اهمیت است که حتی اولیاء و رهبران الهی نیز خود را از آن بی‌نیاز ندانسته و از ذات قادر بی‌همتا در این راستا طلب امداد نموده‌اند؛ طوری که تاریخ دعا با شروع آفرینش و نیایش‌های حضرت آدم و حوا (علیهم السلام) همراه بوده است.

«قلب نوجوان چنان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند و آنچه از تجربیات آن‌ها نصیب ما شد، به تو رسیده؛ برخی از تجربیات که بر ما پنهان مانده بود بر شما روشن گردد.»^۱

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

انسان موجودی است آمادهٔ پرواز و مستعد برای همهٔ والایی‌ها؛ او با توجه با هدایت تکوینی و تشریعی و با تکیه بر تربیت می‌تواند نیکوترین سرنوشت را برای خود تدوین کند. دعا، «تعلیم و تربیت» است و بذری در زمین «معرفت» که ثمرهٔ آن، «تهذیب نفس» است.

رابطه دعا و قضا و قدر

اعمال انسان هم مستند به او است و هم مستند به خدا؛ اما استناد آن به او به این دلیل است که با آزادی اراده آن را انجام می‌دهد و استناد آن به خدا به این دلیل است که هستی انسان و همهٔ نیروی او، حتی آزادی ارادهٔ وی از ناحیه خالق جهان آفرینش است و علل و اسبابی که شرط تحقق عملند از او است.

چنین نیست که همهٔ آنچه باید بشود از پیش تعیین شده باشد و آنچه بر اثر رفتار انسان برای وی مقدر می‌شود برگشت‌ناپذیر باشد؛ خوشبختی و بدبختی هر کس بر اساس تقدیر حتمی مشخص نشده و هر آن، احتمال دگرگونی و تغییر است.

سرنوشت و قضا و قدر الهی، انکار اسباب و مسببات و نیروی اراده و اختیار نیست، بلکه هر حادثه و پدیده و موجودی در عالم، علّتی دارد و اندازه‌ای، نه چیزی بدون علّت به وجود می‌آید و نه بدون اندازه‌گیری معین.

موضوع سرنوشت و مسألهٔ قضا و قدر از مسائل علمی و فلسفی است که قرن‌ها فکر و توجه اندیشمندان بزرگ اسلامی را به خود جلب نموده است.

برخلاف عقیدهٔ یهود که معتقد است تقدیر الهی قابل تغییر و دگرگونی نیست، تقدیر با اسباب گوناگونی قابل تبدیل است. چه بسا افعالی مانند دعا، صدقه، نیکی به مردم، صلهٔ رحم،

استغفار و توبه و ... سبب می‌شود یک قسمت از مقدرات ما تغییر و دگرگونی پیدا کند و موجب گشایش شود.^۱

البته این تغییر نیز به حکم و تقدیر الهی صورت می‌پذیرد و همان خدایی که تقدیر نخستین را نوشته، این را هم مقدر نموده که هرگاه انسان رو به سوی او آورد و دعا کند یا کار نیکی انجام دهد، در سرنوشت او دگرگونی حاصل شده و سرنوشت دیگری جانشین سرنوشت نخستین می‌شود.

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ^۲ مَلَّتْ يَهُودٌ مِی‌گویند دست‌های خدا بسته است.»

مفسران اسلامی در تفسیر این آیه می‌گویند: این آیه ناظر به بیان عقاید یهود درباره عدم تغییر تقدیر الهی است. آنان و برخی روشنفکران غرب‌زده ما معتقدند که در موضوع سرنوشت هیچ نوع تغییر و تبدیل راه ندارد. روی این منطق بسیاری از کارهای خیر و نیک که به عقیده ما می‌تواند در مقدرات ما دگرگونی ایجاد کند، بی‌نتیجه خواهد بود. ولی قرآن مجید در ذیل همان آیه در ردّ این منطق سست، چنین می‌فرماید:

«بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ^۳ هر دو دست او باز است و هر نوع بخواهد انفاق می‌کند.»

پس او می‌تواند نیازمندی را غنی و ثروتمندی را نیازمند سازد.

امام صادق (علیه السلام) به تأثیر دعا در تغییر سرنوشت با بیان شیوایی اشاره کرده می‌فرماید، یکی از اموری که قضای الهی را دگرگون می‌کند دعا است؛ زیرا خدا است که به دعا چنین قدرتی داده که برهم‌زننده تقدیر باشد.

«وَذَاكَ الدَّعَا مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ الَّذِي يَرِدُ بِهِ الْقَضَا^۴ ؛ این دعایی است که فرمان الهی بر آن نوشته

شده است که دگرگون‌کننده قضای الهی است.»

۱. ممدوحی، شهود و شناخت، ص ۴۱۵.

۲. مائده: ۶۴.

۳. همان.

۴. سبحانی تبریزی، سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه، به نقل از بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۴.

به عبارتی، دعا کردن منافاتی با راضی بودن به قضا و قدر ندارد، بلکه یکی از عوامل قضا و قدر الهی است.

«قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ^۱؛ اگر دعای شما بندگان نبود خداوند به شما توجهی

نمی فرمود.»

دعا بهترین و برترین عبادت، مغز عبادت، کلید رستگاری، گشاینده در رحمت، سلاح مؤمن، نور آسمان ها و زمین است.

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ^۲ و گفت ربّ شما بخوانید مرا، اجابت کنم شما را.»

طبق این آیه شریفه چنانچه انسان منقطع از مسببات گردد و تنها خدا را بخواند، دعای او مستجاب می گردد و مشکلات او مرتفع می گردد. البته چگونگی استجابت دعا متفاوت است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«برای دعا چهار شرط است: اوّل توجه کامل به خدا، دوم سرشت باخلاص، سوم

شناختن خدا، چهارم انصاف در سؤال.»

زیرا روایت شده که حضرت موسی (علیه السلام) به مردی گذشت که در حال سجود گریه می کرد و زاری می نمود و خدا را می خواند؛ موسی (علیه السلام) عرض کرد: پروردگارا! اگر حاجت این بنده دست من بود مسلماً برآورده می کردم. خدا به موسی (علیه السلام) وحی فرستاد: که او مرا می خواند ولی دلش به گوسفندان مشغول است، پس اگر آن قدر مرا سجده کند که مهره های پشتش خشک شود و دیدگانش نابینا، دعایش را مستجاب نکنم.

گاه دعا از جانب بنده صورت می گیرد ولی مانع اجابت، باعث می شود که به درگاه ربوبی راه

نیابد. امیرمؤمنان (علیه السلام) به این مسأله به صراحت اشاره نموده و می فرماید:

۱. فرقان: ۷۷.

۲. غافر: ۶۰.

این پیامبرزاده آن قدر با بدان بنشست و در اعمال زشت و افکار نادرستش غوطه‌ور گشت که گویی وجودش تبدیل به یک عمل غیرصالح شد و سراپا غرق فساد و تباهی که دیگر هیچ جای شفاعت و عده الهی نیست.

احساس مسؤولیت شدید و علاقه طبیعی که هر پدری به فرزندش دارد سبب شد که نوح (علیه السلام) چنین درخواستی کند. اما به محض این که از واقعیت امر آگاه شد، فوراً در مقام عذرخواهی به درگاه خداوند و طلب عفو برآمد.^۱

از این آیات برمی‌آید که پیوندهای مادی (نسب، خویشاوندی، رفاقت) در مکتب‌های آسمانی همیشه تحت الشعاع پیوندهای معنوی است. در راه حق و باطل یا عدالت و ظلم حتی اگر فرزندان دچار خطا شوند، قابل چشم‌پوشی نیست و شامل شفاعت نمی‌شود.

دعای عباد الرحمن

در قرآن از زبان کسانی که از سوی خداوند به عنوان (عباد الرحمن) معرفی شده‌اند، آمده است:

«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرْقَةً أَغْنِيَنَا وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۲ پروردگارا! همسران و فرزندان ما

را برای ما مایه روشنی چشم قرار ده و ما را برای پرهیزکاران پیشوا و پیشرو قرار گردان.

در این آیه شریفه، اولیای خاص خدا از پیشگاه او درخواست می‌کنند که همسران و فرزندان آنان را در این عالم مایه سرافرازی ایشان قرار دهد تا چشم ایشان همواره به افتخارات مادی و معنوی آن‌ها روشن بوده؛ از ناحیه آنان گزند متوجه ایشان نشود. حتی اولیای خاص به این مطلب با تمام بزرگی اکتفا نکرده و مقامی بس ارجمند و گرامی که همانا مقام امامت و پیشوایی

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۲۱.

۲. فرقان: ۷۴.

متّین است برای فرزندان خود از خداوند مسئلت می‌فرمایند؛ مقامی که هرگز به ستمکاران نخواهد رسید.

اگر انسانی به این مرتبه از کمال دست یابد از خاصّان درگاه الهی شده و سعادت دنیوی و اخروی خود را به اعلی درجه تأمین نموده است. خداوند وعده فرموده دعای بندگانش را اجابت کند؛ وعده الهی قطعی و تخلّف‌ناپذیر است. البته باید توجّه داشت که گاهی اثر اجابت با تأخیر ظاهر می‌شود، گاهی به تدریج محقق می‌شود یا قسمتی از دعا به دلیل این که برخلاف نظام حکیمانۀ آفرینش است، مردود و قابل اجابت نیست.

مهم این است که والدین در راه تربیت فرزندان از هیچ تلاشی فروگذار نکنند و هر آنچه باعث سعادت دنیا و آخرت عزیزانشان می‌شود، انجام دهند.

حکایت

روزی حضرت موسی (علیه السلام) در ضمن مناجات به پروردگار عرض کرد: خدایا می‌خواهم همنشینی را که در بهشت دارم، ببینم که چگونه شخصی است!

جبرئیل بر او نازل شد و گفت: یا موسی (علیه السلام) قصّابی که در فلان محل است، همنشین تو است. حضرت موسی (علیه السلام) درب دکان قصّاب آمد، دید جوانی شبیه شب‌گردان مشغول فروختن گوشت است. شب که شد، جوان مقداری گوشت برداشت و به سوی منزل رفت. حضرت به دنبال او رفت تا به منزل رسید. به جوان گفت: مهمان نمی‌خواهی؟ گفت: بفرمایید؛ موسی (علیه السلام) را به درون خانه برد. حضرت دید جوان غذایی تهیه نمود، آنگاه زنبیلی از طبقه بالا آورد، پیرزنی کهنسال را از درون زنبیل بیرون آورد و او را شستشو داد، غذا را با دست خود به او خوراند. موقعی که خواست زنبیل را به جای اوّل بیاویزد، پیرزن کلماتی را گفت که مفهوم نبود؛ بعد جوان برای حضرت موسی (علیه السلام) غذا آورد و خوردند.

آن حضرت سؤال کرد: حکایت تو با این پیرزن چگونه است؟ عرض کرد: این پیرزن مادر من است، چون وضع مادی‌ام خوب نیست کنیزی برایش بخرم، خودم او را خدمت می‌کنم. پرسید: آن کلماتی که به زبان جاری کرد چه بود؟ گفت: هر وقت او را شستشو می‌دهم و غذا به او می‌خورانم، می‌گوید: خدا تو را ببخشد و همنشین و هم‌درجه حضرت موسی (علیه السلام) در بهشت گردی.

حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: ای جوان بشارت می‌دهم به تو که خداوند دعای مادرت را مستجاب کرده، جبرئیل به من خبر داد در بهشت تو همنشین من هستی.

نتیجه

خداوند به پدر و مادرها دستور داده است که از کودکان خود حفاظت کنند، آنان را خوب پرورش دهند و خوب تربیت کنند؛ اگر نمی‌توانند (واقعاً هم نمی‌توانند) به درگاه الهی مراجعه کنند و از خداوند متعال کمک بخواهند تا اسباب و علل تربیت و پرورش درست فرزندان را مهیا کند.

در دنیای جدید ارتباطات، ارتباط افراد با هم دستخوش تغییر بسیار شده است، ولی ارتباط ما با خدا تغییر نکرده و فرق نمی‌کند در کدام قرن زندگی می‌کنیم یا چه شرایطی داریم؛ خداوند متعال همیشه صدای ما را می‌شنود و درخواست ما را اجابت می‌کند.

آدمی بدون بهره بردن از امدادهای الهی هرگز قادر نخواهد بود در مسیر زندگی به موفقیت قابل توجهی دست پیدا کند. دعا موجب افزایش آرامش، تقویت دلبستگی به خدا، عامل پیدایش بصیرت و تغییر در برخی مقدرات می‌شود؛ بخصوص دعای پدر و مادر در حق فرزندان باعث منشأ اصلاح رفتار می‌شود. از خداوند منان درخواست می‌کنیم که ما را با دشمن غدار - شیطان - به خود رها مگذارد و در مسؤولیت خطیر «انسان‌سازی» ما را یاری کند و گرنه قطعاً دچار لغزش خواهیم شد. «تمام امید ما به خداوند مهربان است.»

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

* صحیفه سجّادیه.

* صحیفه فاطمیه.

۱. ابراهیمی اقلیدی، علی، اصول فرزندداری، قم: تهذیب، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۲. تشکر، احمد، استجابت دعا، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۳. حیدرزاده، علیرضا و گروه نویسندگان، پرسش و پاسخ دانشجویی (قضا و قدر) ، تهران: نشر معارف، ۱۳۹۴ هـ.ش.
۴. سبحانی تبریزی، جعفر، جبر و اختیار، قم: مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۵. _____، سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه ، قم: مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۶. شجاعیان، رضا و زمانی منفرد، افشین، رابطه دعا در زندگی روزمره با سلامت روانی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۷. عیسی‌زاده، عیسی، خانواده قرآنی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۸. گوهری، سید اسماعیل، ارزش پدر و مادر، بی‌جا: نشر جلی، چاپ هفتم، بی‌تا.
۹. مروجی طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۱ هـ.ش.

۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

۱۱. ممدوحی، حسن، شهود و شناخت، ج ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ هـ.ش.

۱۲. موسوی جزایری، هاشم، فرزندان رحمت شده و فرزندان نفرین شده، قم: ناجی
الجزایری، ۱۳۸۹ هـ.ش.

مقالات

- آریان، وهاب، «تأثیر و نقش دعا در تربیت انسان»، سایت پژوهش‌های معنوی، بی‌تا.

- «چگونه کودکم را خوب تربیت کنم»، سایت نمناک.

- مؤمنی، محتشم، «اهمیت دعا برای فرزندان»، پژوهشکده باقر العلوم (علیه السلام)، بی‌تا.